

پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

سخنرانی صد و سی و پنجم

موضوع: اصل تقدّم تربیت روحانی

تاریخ اجراء: ۶ اوت ۲۰۰۴

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، آقای دکتر نصرت‌الله محمدحسینی استاد پیشین دانشگاه طهران و پژوهشگر بهائی، در مسیر شرح تاریخ و تعالیم دیانت بهائی که خود بخشی از بحث کلی ایشان در باره تاریخ و تعالیم آئین‌های آسمانی به ویژه وحدت اساس ادیان الهی است، به تشریح اصل تقدّم تربیت روحانی مبادرت نمودند و اظهار داشتند که تعلیم و تربیت کودکان در آئین بهائی امری اجباری و عمومی است و قصور پدران و مادران در این امر بسیار عظیم، گناهی نابخشودنی است، ایشان توضیح دادند که آئین بهائی عمیقاً به وحدت تربیت اعتقاد دارد و تبعیضات گذشته را از جمله در باب زنان مردود می‌داند، آئین بهائی تربیت روحانی کودک را در مقام و اهمیّت مقدّم بر تربیت جسمی و علمی او می‌شمارد و عقیده دارد که آدمی یعنی جامعه انسانی بدون تربیت روحانی که به حقیقت تربیت اخلاقی است، تربیت الهی است، هرگز به سعادت واقعی دست نمی‌یابد. دکتر محمدحسینی اظهار داشتند که منظور از تربیت روحانی، تربیت روحانی است که، زیر بنای اعتقادی تربیت روحانی بر مهر و شفقت به همگان استوار است. تربیت روحانی از طریق محبت الله، به مدد شیوه‌های جان گرفته از عشق به حقّ و حقیقت تحقق می‌یابد و باید به گونه‌ای انجام گیرد که هرگز در کودک خلق تعصّبات جاهلانه ننماید. امروز آقای دکتر محمدحسینی توضیح اصل تقدّم تربیت روحانی را پی می‌گیرند.

دکتر محمد حسینی: سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پر مهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، مظاهر مقدّسه الهیه، پیامبران مستقلّ آسمانی، مربّیان روحانی نفوس انسانی‌اند. آثار مقدّس حضرت بهاءالله بر این حقیقت مسلم شهادت می‌دهد. حضرت عبدالبهاء مبین آثار حضرت بهاءالله در دهها اثر مبارک بدین حقیقت شهادت داده‌اند، بیانات حضرتشان به ویژه در دو مجموعه مفاوضات و خطابات به تفصیل آمده است. حضرت بهاءالله در این عصر نورانی اعظم مربّی روحانی عالم انسانی‌اند.

در گفتارهای گذشته این نکته را باز نمودیم که به استناد آثار حضرت بهاءالله مشکلات موجود

عالم ناشی از بحران شدید اخلاقی در جامعه انسانی است. لذا برای رفع مشکل باید تربیت روحانی کودک مقدم بر تربیت علمی او شمرده شود. دلائل این تقدم را به استناد بیانات طلعات مقدس بهائی معروض داشتیم. اصول و قواعد آئین بهائی، کلیات و جزئیاتی که در آثار طلعات مقدس بهائی در خصوص تربیت نفوس انسانی ارائه گردیده است جمعاً نظام تعلیم و تربیت بهائی را شکل می‌دهد. مراد از این سخن این نیست که آئین بهائی یک مکتب خاصّ تعلیم و تربیت در مفهوم تنگ و مضیق علمی است. آئین بهائی به موضوع تعلیم و تربیت در مفهوم عام و شامل خود می‌نگرد و مظاهر مقدسه الهیه را معلمان و مربیان آسمانی می‌خواند و تربیت نفوس انسانی را در این دور نورانی منوط به اتباع از تعالیم این مربیان آسمانی می‌داند. جان کلام آنکه تربیت جسمانی و انسانی، تعلیم و تعلم شاخه‌های علمی، هنری و فلسفی باید منضمّ به تربیت روحانی گردد. به بیان گویاتر هرگونه تربیت باید مقدمه‌ای برای کسب تربیت روحانی باشد. به عقیده بهائیان جهان اگر اصول و قواعدی که مربیان آسمانی به جهت تربیت روحانی افراد انسانی ارائه کرده‌اند، مورد عمل قرار گیرد. نا بسامانی‌های موجود سامان می‌یابد، جرم و اعتیاد از جامعه انسانی محو می‌گردد، قلوب نورانی می‌شود و سرانجام پرچم صلح اعظم بر قلل جبال عالم به اهتزاز می‌آید.

مردمان از تربیت روحانی تعلیم اصول و قواعدی است که تا کنون مورد بررسی قرار داده‌ایم. تربیتی که بر پایه محبت الهی استوار است. تربیتی که به کودک می‌آموزد در پاسخ جفاء مردمان بدانان وفاء نماید، اگر بدو دشمنی نمایند دوستی بفرماید، تربیتی که بدو می‌آموزد هرگز از کوچه تزویر نرود، تربیت که بدو می‌آموزد عالم بین باشد نه خودبین، تربیتی که بدو می‌آموزد عالم وجود دار مجازات و مکافات است و همواره در گوش او می‌گوید که از مکافات عمل غافل نشود. تربیتی که بدو می‌آموزد کودکان جهان همه گل‌های رنگارنگ گلستان یزدانند، تربیتی که وجودش را آکنده از عشق به خلق و خالق می‌نماید و هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌بیند و در محویت، خاک رهگذار آفریدگان حق می‌نماید. این است تربیت حقیقی روحانی که باید مقدم بر هر گونه تربیت ملاحظه شود و به مرحله عمل درآید.

باری قرن نوزدهم قرنی که در میانه آن خورشید رخشان آئین حضرت بهاءالله از افق عالم انسانی طلوع نمود، قرن انکار روحانیات در معنای حقیقی خود بود. آدمیان یا از حقیقت دین عدول نموده و پای بند تعصبات خشک جاهلانه و یا به کلی از اعتقاد به خداوند یگانه بیگانه بودند. در چنین اوضاع و احوالی حضرت بهاءالله اصول و قواعد نظام اعتقادی بدیع آئین بهائی را به جهانیان ارائه فرمودند. در لوح مبارک اشراقات به عین عبارت فرمودند:

«دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم...».

این آرمان که دین حصن متین برای آسایش اهل عالم است باید شکافته شود باید کاویده شود. اجازه فرمائید با توجه به عبارت «آسایش اهل عالم» تأثیر تربیت روحانی را در تأمین آسایش اهل عالم مورد بررسی قرار دهیم. از جمله عوامل نامطلوب اساسی که امروز آسایش اهل عالم را بسیار کاهش بخشیده خشونت، جرم و اعتیاد است. تاکنون در این برنامه از نتایج فلاکت‌بار خشونت به کرات سخن گفته‌ایم و به عرض رسیده است که تعالیم حضرت بهاء‌الله هرگونه خشونت را مردود می‌شناسد و بذر مهر و آشتی در قلوب آدمیان می‌نشانند. البته در آینده نیز در این باب سخن خواهیم گفت. امروز به دو عامل دیگر فرسایش بنیان جامعه و کاهش آسایش اهل عالم، یعنی جرم و اعتیاد، اشاره می‌کنیم و سرانجام می‌گوئیم که چگونه تربیت روحانی موجب پیشگیری و بازسازی از ارتکاب جرم و اعتیاد است.

بنده در پژوهش تفصیلی خود تحت عنوان «Spiritual Education, Crime and Addiction» که متن فارسی آن به حقیقت کتاب مفصلی است و با عنوان «تربیت روحانی، جرم و اعتیاد» اخیراً اتمام یافته است و در پژوهش اختصاری دیگری تحت همین عنوان که درسی صفحه چند سال پیش انتشار یافته است تلاش نموده‌ام که این پیش فرض را از لحاظ علمی نیز به اثبات برسانم. زیرا در آئین بهائی علم و دین موافق‌اند و مطابق. حضرت شوقی ربّانی ولی‌امر بهائی تصریح می‌فرمایند که بهائیان عقیده دارند برای مطالعه این آئین جهانی باید از روش شناسی علمی مدد گرفت. آن حضرت از جمله می‌فرمایند:

“The revelation proclaimed by Bahá'u'lláh, His followers believe is... Scientific in it's method.”

اگر چه به قول پروفیسور استیون استاک (Steven Stack) جامعه‌شناسی معروف و استاد دانشگاه پنسیلوانیا غالب پژوهشگران در خصوص بیان نقش مهمّ دین در تعدیل رفتار مجرمین غفلت کرده‌اند با وجود این تحقیقاتی که تربیت روحانی را عامل اصلی پیشگیری و بازسازی از ارتکاب جرائم و اعتیاد به مخدرات می‌دانند بسیارند. استنلی شپرد (Stanley Shepherd) جرم‌شناس آمریکائی می‌نویسد که: «جرم‌شناسی جدید اکنون دریافته است که در اجرای برنامه‌های درمانی به منظور تغییر رفتار مجرمین، دین به عنوان عظیم‌ترین نیروی اجتماعی واجد مقامی مخصوص است. آدمی صرفاً از طریق تعلیمات روحانی بازسازی می‌شود. پانصد سال تاریخ درمان رفتار مجرمانه گواه این گفتار است.».

جوزف فتیز پتریک آمریکائی کارشناس معروف و برجسته امور جزائی می‌نویسد: «اعتقاد دینی به عنوان یک تجربه عمیق شخصی، آدمی را به تشخیص مقصد غائی حیات قادر می‌سازد تا کمال اجتماعی را در عرفان حق بیابد. دین مناسب‌ترین وسیله وفاق و نیز نظارت اجتماعی است و تمسک به مبانی روحانی آن، اعضاء هیئت حاکمه و افراد ملت را از کجروی و ارتکاب جرم باز می‌دارد. هانری اوگوست فورل (Henry Auguste Forel) شخصیت اصلی در روان‌پزشکی سوئیس که پیش از پذیرش آئین بهائی پای بند ادیان الهیه نبوده و به سختی از تظاهرات شخصیات و تأسیسات قشری و تعصبات دینی احتراز می‌نموده در همان اوقات نیز حقیقت دین را لازمه تعدیل رفتار انسانی شناخته و معتقد بوده که از عشق و جذبۀ دینی در اصلاحات اجتماعی مدد گرفته شود.

بنده در جریان پژوهش تفصیلی زیر عنوان «تربیت روحانی، جرم و اعتیاد» به دهها پژوهش که هر یک از آنان خود بر دهها پژوهش دیگر استوار بوده مراجعه کرده‌ام و پس از طی مراحل تحقیق و ارزیابی علمی، از جمله کاربرد روش‌شناسی علمی، بدین نتیجه رسیده‌ام که تربیت روحانی مؤثرترین عامل پیشگیری و بازداري از ارتکاب جرائم و اعتیاد است. از میان دهها پژوهشگر برجسته آمریکای شمالی که به استناد پژوهش‌های دقیق علمی به همین نتیجه رسیده‌اند، استنن بهر (Stephen Bahr)، ریکی هاکس (Ricky Hawks)، باربارا لوید (Barbara L. Loyd)، لی الیس (Lee Ellis)، تامس گنان (Thomas Gannan)، استیون برکت (Steven Burket)، ماروین وایت (Mervin White)، پال هیگینز (Paul Higgins)، گری جنسن (Gary Jensen)، پتریشیا ماچ (Patricia Mutch)، رابرت کروز (Robert Cruse)، راندی استارک (Rodney Stark)، ریموند پاتوین (Reymond otvin)، بروس چادویک (Bruce Chadwick) و برنت تاپ (Brent Top) را توان نام برد. با جرأت می‌توان گفت که صدها پژوهش دقیق علمی گویای آن است که فقدان تربیت روحانی در عصر ما نتایج وخیمی داشته و همین فقدان، جرائم وحشتناک و اعتیادات دهشتناک را به ارمغان آورده است. تا هدف زندگی آدمی صرفاً تشقی انگیزه‌های حیوانی باشد جامعه انسانی روی خوش نبیند و جرم و اعتیاد باقی ماند و آسایش اهل عالم رخ نگشاید. تنها راه نجات بشریت روحانی نمودن جهان انسانی است و روحانیت حقیقی در اخذ نفس اماره است و این تنها چاره است. حضرت بهاءالله در لوح کلمات فردوسیّه به عین عبارت می‌فرمایند:

«تا نفس به مشتھیاتش باقی، جرم و خطاء موجود.»

مراد از روحانی نمودن جهان انسانی (The Spiritualization Of The World) که در آثار حضرت شوقی ربّانی ولیّ امر بهائی آمده است توجّه دقیق نفوس انسانی به اصول روحانی است که در آئین حضرت بهاءالله مقرر گشته و روح عصر است، نه قواعد و مقرراتی که علت وجودی خود را از دست داده است و نه تحمیل مراسم و تشریفات خاصی که به تنهایی مفهومی ندارد. مگر آنکه همراه اصول مهر و آشتی و به جهت تحقق مهر و آشتی در جهان اعمال شود. حضرت شوقی ربّانی در اثر ارزشمند حضرتشان «ظهور مدنیت جهانی The Unfoldment Of World Civilization» فرمودند:

«رواج وحشت و هراس، عدم توجّه به مقررات و قوانین اجتماعی، افزایش میزان جرائم و صرف مخدرات و مسکرات، عطش تسکین ناپذیر افراد انسانی به جهت اکتساب اموال و لذائذ دنیوی، تضعیف همبستگی خانوادگی، سهل‌انگاری والدین در نظارت بر اولاد، انهماک در تجملات، عدم احساس مسؤولیت در قبال امر ازدواج و در نتیجه افزایش میزان طلاق، تباهی هنر و موسیقی و تعفن ادب (یعنی ادبیات) فساد مطبوعات، گسترش نفوذ فعالیت مظاهر فساد که فلسفه نودیسم (عریان‌گرایی) را موعظه می‌نمایند... همه و همه خصائص جامعه فاسد معاصر انسانی است که باید خلقت دوباره یابد و یا هستی‌اش پایان گیرد. به فرموده مبارک همه این پریشانی‌ها و نابسامانی‌ها زاده عقیدت نسل معاصر است که دین را تریاک جامعه پنداشته و از حقائق عالیّه روحانیّه مندمجه در مذهب الهیه غافل گشته است. به فرموده مبارک در آن رساله جلیله، جائزه این «انسانیت ناپشیمان Unrepentant Humanity» همه مصائب ناشیه از عدم توجّه او به دین و آئین الهی است. به فرموده مبارک تهذیب عالم از لوث مفسد موجوده و سرانجام تحقق صلح اعظم به نحوی اجتناب ناپذیر از طریق اجراء مبانی و حدود الهی و در نتیجه «روحانی نمودن جهان انسانی Spiritualization Of The World» میسر است.

سپاسگزارم

©2005 Bahá'í International Radio Service, "Payam-e-Doost" Radio Program (www.bahairadio.org)

حقوق کلیه مطالب درج شده در سایت "رادیوی پیام دوست"، برنامه فارسی رادیوی بین‌المللی بهائی، محفوظ است. این متن تنها برای مطالعه شخصی است و استفاده از آن به شرط ذکر منبع "رادیوی پیام دوست" و بدون هیچگونه تغییر و یا ویراستاری مجاز می‌باشد.